

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۰ جون ۲۰۱۱

پس لرزه های نامه سرکشاده نویسنده کتاب جنجالی

«شنود اشباح»!

فرهنگ غالب در هر جامعه ای فرهنگ حاکمیت در آن جامعه است. در فرهنگ حکومت اسلامی، سرکوب، تهدید، ترور، چماق داری، قمه کشی، هفت تیر کشی، زورگوئی، بریدن دست و پا، درآوردن چشم با اتکا به قوانین وحشیانه قصاص اسلامی، شکنجه، تجاوز، اعدام، سنگسار و هم چنین دزدی، رشوه خواری، غارت اموال عمومی، پرونده سازی و توطئه گری و غیره عمومیت دارد. همه سران و مقامات و مسوولین و فرماندهان و ارگان ها و نهادهای این حکومت به این فرهنگ آلوده اند و همواره آن را در جامعه بازتولید می کنند. حتی در این حکومت، یاران دیروزی امروز به محض این که اختلافی پیدا می کنند بلافاصله برای همدیگر چنگ و دندان نشان می دهند به حدی که برای دستگیری و زندانی کردن همدیگر نیز سنگ تمام می گذارند و به هر نوع پرونده سازی و ترفندی متوسل می شوند تا قدرت و موقعیت خود را نگه دارند. عوامل و عناصر حکومت، به راحتی آب خوردن آدم می کشند؛ به زنان و دختران تجاوز می کنند؛ مخالفان خود را سر به نیست می نمایند؛ برای همدیگر پاپوش درست می کنند؛ به مغز حجاریان گلوله شلیک می کنند؛ در روز روشن و در مقابل مردم، به دختر هاشمی رفسنجانی فاحشه می نامند؛ هاله سحابی را در مراسم خاکسپاری پدرش می کشند؛ احمدی نژاد برای تصویب سریع لایحه بودجه سال ۹۰ به نمایندگان مجلس می گوید اگر قبل از تعطیلات عید آن را تصویب نکنید زنان تان شب عید شما را به خانه تان راه نخواهند داد؛ نماینده رهبر خطاب به احمدی نژاد می گوید اگر رهبر فتوا دهد زنت بر تو حرام خواهد شد و... این فرهنگ وحشت و خشونت و چماق داری در همه سطوح سلسله مراتب حکومت اسلامی رواج عمومی دارد.

تا دو ماه پیش رهبر و رئیس جمهوری و طرفداران آن ها، همواره قربان و صدقه همدیگر می رفتند و دوش به دوش هم و با تمام قدرت و بی رحمی فوق العاده مشغول سرکوب مردم معترض از پیر و جوان، دختر و پسر و حتی جناح رقیب خود در حاکمیت، یعنی اصلاح طلب حکومتی بودند. اما با آشکار شدن اختلاف بین خامنه ای و

احمدی نژاد، هواداران طرفین در جناح حاکم به جان همدیگر افتاده اند. تاکنون بیش از سی تن از مدیران دولتی به عنوان «جاسوس» و «مأمور سازمان سیا»، به همراه معلم اخلاق و پیش نماز دولت به عنوان جن گیر و رمال و غیره توسط وزارت اطلاعاتی که احمدی نژاد قصد برکنارکردن وزیر آن را داشت با خشم خامنه ای مواجه شد و به کار خود برگشت، دستگیر و زندانی شده اند.

در این میان، یکی از عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی که هم زمان با آغاز اختلافات بین خامنه ای و احمدی نژاد، با انتشار نامه سرگشاده ای، اقدام به افشاءگری بی سابقه‌ای درباره اسفندیار رحیم مشائی، رئیس دفتر و محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی نژاد کرده بود، پس لرزه هایش هنوز هم ادامه دارد.

اما این نامه به سرعت از سایت ها برداشته شد به طوری که یکی از سایت های رسمی که در طیف جریان حامیان تند رو و در عین حال منتقد دولت طبقه بندی می شود، مدعی موج بی سابقه ای از اعمال فشار بر سایت ها برای حذف نامه شد و به نقل از گلپور با بیان این که «حذف نامه یک پژوهشگر از اکثر سایت های رسمی زنگ خطر قداست تراشی برای مشائی است»، نوشت: «آقای احمدی نژاد و دولت تحت تدبیر ایشان را به ویژه در اجرائی نمودن شعار نقد پذیری دولت و کارگزاران در مرثا و منظر افکار عمومی به محک دارا بودن شرح صدر و طرح شفاف و قانونی انتقادات آزموده ام و در این راستا بی صبرانه منتظر شکایت آقای رحیم مشائی یا رحیمی هستم (منظورم کورش رحیمی برادر تنی و ... اسفندیار نیست بلکه رحیمی معاون اول را می گویم) تا در هر سیستم قضائی یا دادگاه صالحه ای بتوان به اثبات قسمت های محدود و مورد اشاره در اولین نامه پرداخته و با طرح الباقی مطالب مصیبت بار در سوابق ایشان زمینه لازم برای رسیدگی قانونی و قضائی فراهم شود.

...ثالثا ضمن تأکید بر وثوق مستندات مطروحه؛ آمادگی خود را برای طرح هر نوع نقد و بررسی لازم و مفید دیگران در باره خود، آثار و محتویات نامه اعلام نموده و در عین حال حق قانونی خود در پیگیری قضائی از اشاعه دهندگان اکاذیب و افتراءات (که و امدار ایشان به جریان آقای مشائی، این اسلام شناس بی نظیر در تاریخ!!! پوشیده نمی باشد) و یا غضنفر مآبان لطیفه مارادونا! محفوظ می دانم.

وب سایت عماریون، اولین سایتی بود که نامه سرگشاده رضا گلپور را سرلوحه کار خود قرار داده بود. این سایت در روز بعد نامه ای از گلپور منتشر می کند که «تمامی سایت های جهان مقاله یک پژوهشگر را حذف کردند.»؟! رضا گلپور که پیش از این در سال ۱۳۸۱، به دلیل نوشتن کتاب «شنود اشباح» علیه اصلاح طلبان حکومتی، مدتی را در بازداشت گذرانده بود، در سال های اخیر مورد حمایت اصول گرایان و رسانه های حکومتی قرار گرفته است.

نویسنده در سراسر نامه خود تلاش می کند اعضای خانواده و همسر و مادر و خواهر محمدرضا رحیمی و رحیم مشائی و روابط خانوادگی و شخصی آن ها را به اصطلاح افشاء کند و در این راه مجموعه ای انبوهی از اتهامات را علنی می سازد.

رضا گلپور، اقدام به افشاءگری بی سابقه ای درباره اسفندیار رحیم مشائی، رئیس دفتر و محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد کرده است. به گزارش آینده، رضا گلپور که پیش از این به دلیل تدوین کتاب شنود اشباح ۲ و قصد انتشار آن توسط وزارت اطلاعات در دولت خاتمی دستگیر شده بود، در سال های اخیر به دلیل مواضع تند مورد حمایت رسانه های رسمی قرار گرفته و اخیرا به برنامه های تلویزیونی از جمله «راز» نیز دعوت شد.

گلپور در این افشاءگری که در قالب نامه ای سرگشاده به مشائی منتشر شده است، مدعی شده که در ۳ جلسه با اسفندیار رحیم مشائی درباره یافته های خود از پیشینه امنیتی، سیاسی و عقیدتی او گفت و گو کرده است و پس از آنکه مشائی از ادامه این جلسات خودداری کرده، تصمیم به افشاءگری گرفته است.

گلپور در این نامه ۲۰ صفحه ای ادعاهای عجیب و غریبی درباره سوابق مشائی در قبل و بعد از انقلاب و هم چنین اعضای خانواده او مطرح می کند و وی را متهم به جرایم تکان دهنده ای در واحد اطلاعات سپاه می کند. رضا گلپور، در این نامه، ادعاهائی درباره واسطه ارتباط مشائی با امام زمان و هم چنین فعالیت های اقوام و بستگان وی مطرح می کند.

این نامه سرگشاده، هم چنین به محمدرضا رحیمی، سوابق وی قبل از انقلاب ۵۷، ادعاهای اخلاقی و بستگان معاون اول احمدی نژاد پرداخته و ادعاها و اتهامات عجیبی را به وی نسبت می دهد.

مشخص نیست رضا گلپور که به دلیل اقامت یکی از همسرانش در لبنان، مدتی مقیم این کشور بوده است، هم اکنون در ایران به سر می برد یا از کشور خارج شده است و آیا سرنوشت شنوداشباح ۲ مجدداً برای گلپور تکرار خواهد شد؟

جناح اصول گرای حکومت اسلامی در مضحکه انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه ۱۳۸۸، با اتحاد بیت رهبری، شورای نگهبان، مجلس، دولت احمدی نژاد و هم چنین با دخالت سپاه و بسیج و نیروهای امنیتی، به شکل آشکاری نتایج انتخابات را به نفع احمدی نژاد اعلام کردند. در حالی که بناء به اقرار برخی مقامات حکومتی، در ساعات نخست شمارش آرا، موسوی از احمدی نژاد جلوتر بود. اما علی خامنه ای، شورای نگهبان، دولت، مجلس، سپاه، بسیج و غیره دست به یکی کردند و احمدی نژاد را مجدداً پیروز این نمایش انتخابات معرفی کردند. در این دو سال، جناح حاکم علاوه بر این که جناح اصلاح طلبان را به حاشیه راند و بسیاری از کادرهای آن را دستگیر و زندانی کرد؛ به شکل هیستریک و وحشیانه ای نیز اعتراضات به حق مردم ایران را سرکوب کرد.

در واقع دعوای جناح های درون حکومت بر سر تقسیم قدرت و ثروت صورت می گیرد؛ درحالی که دعوای مردم با حکومت، نه شرکت در این تقسیم قدرت و ثروت، بلکه گرفتن حق خود از حاکمیت و نهایت برکناری کلیت آن است؛ حکومتی که سی و سه سال است سیاست جهل و جنایت و ترور را بر جامعه ایران حاکم کرده است.

اما اکنون شکافی در درون جناح حاکم اصول گرا به وجود آمده است که روزه روز عمیقتر می گردد و با آشکار شدن اختلاف بین خامنه ای و احمدی نژاد، حامیان دو طرف به شنیع ترین شکلی همدیگر را محکوم می کنند.

در این میان، نامه سرگشاده نویسنده کتاب «شنود اشباح»، علیه حامیان احمدی نژادخواندنی است و عمق خشونت و بی رحمی افراد و گروه های مافیائی دخیل در حاکمیت جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد.

حکومتی که با خودی هایش این چنین رفتار خشونت آمیزی دارد تصور کنید برای شکستن روحیه مخالفان خود در زندان ها، چه رفتارهای غیرانسانی و وحشیانه ای به کار می گیرد؟!

این چهره امنیتی، در این متن هم چنین مطالبی درباره واسطه ارتباط مشائی با امام زمان و هم چنین فعالیت های اقوام و بستگان او، مطرح کرده است.

به گزارش سایت آفتاب، گلپور در این نامه سرگشاده خود، هم چنین به محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی نژاد و سوابق او قبل از انقلاب، ادعاهای اخلاقی و بستگان معاون اول رئیس جمهور هم پرداخته و ادعاها و اتهامات بی سابقه ای را به او نسبت داده است.

شود اشباح کتابی است که در سال ۱۳۸۱ منتشر شد و رضا گلپور در آن، اتهامات زیادی علیه چهره ها و گروه های اصلاح طلب حکومت مانند آیت الله محمد موسوی خوینی ها و به خصوص سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مطرح کرد.

اینک نامه او، در شرایطی منتشر شده است که محمدرضا رحیمی، معاون اول و اسفندیار رحیم مشائی، رئیس دفتر محمود احمدی نژاد، با فشارهای فزاینده اصولگرایان، برخی از نمایندگان مجلس، روحانیون ارشد و مراجع تقلید و حتی برخی چهره های نظامی و امنیتی برای کناره گیری از سمت خود مواجه هستند.

این دو مقام نزدیک به احمدی نژاد، حتی از سوی برخی نمایندگان اصول گرای مجلس نیز به اتهامات مالی و سیاسی متهم شده اند، اما رئیس دولت همواره از آن ها دفاع کرده است.

نویسنده کتاب شنود اشباح، در بخش اول نامه خود به اسفندیار رحیم مشائی، با اشاره به نقش و جایگاه رحیم مشائی و رحیمی در نزد احمدی نژاد، هدف خود از نوشتن این مطلب را «تکلیف شرعی دفاع از نظام مظلوم جمهوری اسلامی» بیان می کند.

گلپور، سپس می نویسد که قصد پرداختن به موضوع مشائی را نداشته اما پس از آن که «دوست مشترکی» پیغام استهزاء آمیز رئیس دفتر احمدی نژاد مبنی بر این که «برود زن چهارمش را بگیرد چه به دخالت در سیاست ما» را برای او آورده، تصمیم به انتشار این مطلب گرفته است.

او با قبول چند همسری خود، رحیم مشائی را نیز متهم به داشتن حداقل دو همسر می کند و می نویسد: «بنده برای تجدید فراش به اذن مثل توئی احتیاج ندارم و ازدواج منقطع و تعدد زوجات را حکم مترقی و مدرن و انسانی اسلامی می دانم و بر خلاف تو که ازدواج با سرکار خانم زیبا الف را که اکنون مادر دختر کوچک توست مخفی می کنی؛ بنده فریاد می زنم که افتخار می کنم در این لحظه ۳ همسر دائم رسمی دارم و در صورت فراهم بودن شرایط شرعی لحظه ای در تجدید و تداوم این روش الهی تردید نخواهم کرد.»

نویسنده کتاب شنود اشباح، در عین حال به مشائی هشدار داده است: «مطالب مهم تری هم هست که اگر صدایم پس از نشر این مطلب هم به گوش رئیس محترم جمهور نرسید، حجت به انتشار آن خواهم یافت.»

او، در ادامه سوابق کاری اسفندیار رحیم مشائی پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ را اینگونه عنوان می کند: «عضو فعال و پیگیر تأسیس تشکیلات انجمن حجتیه در روستاها و شهرستان های استان مازندران؛ مسوول عملیات واحد اطلاعات سپاه مازندران؛ عضو شورای تأمین آذربایجان غربی؛ عضویت در وزارت اطلاعات؛ مسوولیت در فرمانداری کردستان؛ مسوولیت رادیو تهران و رادیو پیام در صدا و سیما؛ مدیر کل اجتماعی وزارت کشور؛ معاونت اجتماعی و فرهنگی شهردار و ریاست سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران؛ معاون و (بدون کم ترین سوء ظن) عقل منفصل آقای احمدی نژاد در دوره اول ریاست جمهوری (که نام برده را از جدی ترین اسلام شناسان آگاه معاصر می داند).»

او، سپس خواهر رحیم مشائی با نام اشرف و زن دیگری به نام طاهره ذ که به گفته او بعدها همسر وی شد را به داشتن «روابط تشکیلاتی» با زنی به نام جعفری متهم می کند اما توضیح نمی دهد که حوزه فعالیت خانم جعفری چه بوده است.

گلپور، در ادامه با نام بردن از برادران و اعضای خانواده رحیم مشائی، یکی از آن ها به نام هوشنگ را به عضویت در سازمان مجاهدین خلق پس از انقلاب متهم می کند و می افزاید که وی طی یک عملیات مسلحانه در اردیبهشت

[ثور] سال ۱۳۶۰ همراه با ۱۰ نفر دیگر، اقدام به تیراندازی و سرقت مسلحانه بعضی از بانک های در رامسر کرده که این عملیات به زخمی شدن یکی از نیروهای سپاه منجر شده است.

نویسنده می نویسد که «تحت فشار دخالت مستقیم» مشائی، هیچ کدام از افراد این تیم دستگیر نمی شوند. او، هم چنین اضافه می کند که برادر مشائی نیز پس از مدتی با «مرگ مشکوکی» از دنیا می رود و امکان پیگیری پرونده از بین می رود.

نویسنده نامه، در ادامه رحیم مشائی را متهم به لو دادن اخبار عملیات محرمانه سپاه به مجاهدین خلق و «اعدام انقلابی بدون توجیه قانونی» اعضای مجاهدین می کند و مدعی می شود پرونده این اقدامات تا اوایل دهه ۷۰ در سازمان قضائی نیروهای مسلح باز بوده است.

گلپور، در این خصوص توضیح می دهد که: «جایگاه امنیتی نام برده (مشائی)، اعمال نفوذها، محارب بودن مقتولان، عدم دسترسی به برخی شهود در گذر زمان و از همه مهم تر تهدیدها و تطمیع های مختلف و شبکه اش تاکنون او را در مسیر پاسخ گوئی به اتهام آمریت در چندین فقره قتل نفس عمد، روئین تن نموده است.» به نوشته این عنصر امنیتی: «جالب این جاست که غالب قربانیان شهود کلیدی درباره عناصر نفوذی گروهک ها در سپاه شهود کلیدی اثبات نقش مستقیم و سوابق اعضای خانواده(نسبی و یا حتی بعدا سببی) اسفندیار در به شهادت رساندن پاسداران و بسیجیان منطقه بوده اند.»

گلپور، در توضیح بیشتر می گوید: «اسفندیار بدون حکم دادستانی ۶ نفر منافق دیگر تحت امر برادرش را که دستگیر شده بودند توسط همان چهار نفر پاسدار، بدون محاکم قضائی و به عنوان خون خواهی شهدای پایگاه بسیج اعدام نموده و سپس با تهدیدبه افشاء، آن ها را مجبور به سکوت پیرامون برادرش می نماید. حمله به پایگاه بسیج، دو شاهد جدی نیز داشت. با تلاش شرم آور و غیرقابل توجیه اسفندیار، کورش ابتداء به حبس ابد و سپس با اعلام توابع شدن به سه سال حبس محکوم گردید.»

نویسنده کتاب شنود اشباح، درباره نحوه آشنائی رحیم مشائی با همسرش نیز مینویسد: «بازجوئی از متهمه ای به نام طاهره ذ. از تکابین که در جریان عملیات مسلحانه علیه سپاه در خانه تیمی دستگیر شده بود و حین دستگیری اقدام به خوردن سیانور نموده (ولی با هوشیاری واحد عمل کننده سپاه از هلاکت نجات یافته بود) بااصرار اسفندیار در اختیار او قرار گرفت.»

او، می افزاید: «اسفندیار در جریان بازجوئی از خانم فوق الذکر (که چندین فقره سابقه محاربه داشته و حکم تعزیر در مورد او صادر شده بود)، و ظاهراً جهت اخذ معلومات عملیاتی اش به او علاقه مند شده و بعدها با او ازدواج می کند در حال حاضر همسر رسمی اول او (مادر پسرش رضا و مادر زن پسر آقای احمدی نژاد) است.» گلپور، نام همسر دوم رحیم مشائی را زیبا الف عنوان می کند و می گوید که مشائی از او دارای یک فرزند دختر است.

نویسنده کتاب شنود اشباح، در ادامه نامه خود، اصلی ترین دلیل آن چه آن را «توهم ارتباط با امام زمان» توسط مشائی عنوان می کند، فردی به نام قدرت الله لطیفی نسب که او را از اعضای تولیت مسجد جمکران معرفی می کند و فرزندش مرتضی، می داند.

او، می نویسد: «در سال ۱۳۷۵ همین آقای مدعی یعنی قدرت الله لطیفی با خودرو کاظم کیاپاشا (که حالت جانشین او را داشته) از جمکران تا منزل اسفندیار (در منطقه فرمانیه تهران) آمد و بیش از دو ساعتی میهمان او بود تا به آن ها بشارت هائی از آینده بدهد.»

گلپور، در ادامه کیپاشا را از نزدیکان رحیم مشائی و مشاور رسمی او در شهرداری تهران و سازمان ایرانگردی و جهانگردی معرفی می کند و می افزاید: «اسفندیار و همراهانش برای استقبال از لطیفی در ابتدای کوچه منتظر بوده و پس از پیاده شدن نامبرده به حالت سجده خم شد تا پای او را ببوسد.»

او، با بیان این که تا قبل از آن تاریخ دیدارها در دفتر لطیفی در جمکران بود و آمدن حضرتش به منزل اسفندیار نشان از عنایت ویژه آقا به اسفندیار و احمدی نژاد بوده است، می نویسد: «حدود نیم ساعت اول صحبت های لطیفی با گریه های شدید و حالتهای غشگون اسفندیار و همسرش و برادرزاده اش آرش کوشا همراه بوده است.»

به گفته او، «اسفندیار به لطیفی توضیح داد که خودش مرغ های زنده را از رامسر آورده خودش ذبح کرده و همسرش آن ها را پر کنده و پخته است تا شام آماده بشود.»

نویسنده کتاب شنود اشباح، می نویسد که پس از درگذشت لطیفی، احمدی نژاد و مشائی با تعطیل نمودن تمام کارهای خود در مراسم تشییع جنازه او در حسینیه بیت الرقیه در خیابان پنجم نیروی هوایی ۲۹ مرداد ۱۳۸۶ شرکت کردند و سنگ تمام گذاشتند.

او، در پایان مطلب نامه افشاءگرانه خود علیه مشائی و پیش از پرداختن به موضوع محمدرضا رحیمی با طرح این پرسش که «به راستی سر ارادت احمدی نژاد به او چیست؟»، می افزاید: «اگر بپذیریم که احمدی نژاد با باور ارتباط مشائی با امام زمان در حلقه مراد و مریدی قرار گرفته است باید برای این سوالات پاسخ یافت که کی، چگونه، توسط چه کسی و با چه هدفی؟»

نامه رضا گلپور، تنها به اسفندیار رحیم مشائی اختصاص ندارد؛ او در این نامه به محمدرضا رحیمی معاون اول محمود احمدی نژاد هم پرداخته است.

گلپور در نوشته خود، رحیمی را فردی بدون سوابق «انقلابی» معرفی کرده و افزوده او حتی در مواقعی مانند دستور آیت الله خمینی برای تخلیه پادگان ها، تا روز آخر «در پادگان آریامهری انجام وظیفه کرده است.»

او، با بیان این که رحیمی، در «اوایل انقلاب به جهت داشتن لیسانس حقوق و نفوذ به جمع تیپ های مذهبی و حزب الهی، خود را به عنوان چهره ای مذهبی جا زده»، می نویسد: «در مجلس با نزدیک شدن به کانون های نفوذ و قدرت از قبیل آقای هاشمی و ناطق نوری در جایگاه ریاست مجلس و با شعار کاهش تنش در منطقه با گرفتن امان نامه های متعدد برای افراد مؤثر در گروهک های ضدانقلاب در بین آن ها نیز اسم و رسمی دست و پا کرد.»

نویسنده کتاب شنود اشباح، در ادامه اقوام معاون اول احمدی نژاد را «ضدانقلاب» و «عضو گروهک های ملحد» می خواند و می افزاید: «شاهکار رحیمی انجام پروژه انتقال جسد شیخ هادی فراری بود که پس از شهید کردن ده ها نفر از مردم بی گناه قروه و تعدادی از رزمندگان سنج به عراق گریخته و در تمام مدت دفاع مقدس از رادیو عراق علیه امام و نظام، لجن پراکنی می کرد و مردم کردستان را تحریک به اغتشاش می نمود و پس از پایان جنگ از ترس مکافات عمل به انگلستان رفته و هم چنان به جنگ روانی ناجوانمردانه اش ادامه می داد تا هلاک شد. رحیمی فرزندان آن ملعون را به احترام و اعتزاز به کشور بازگردانده و آن ها در جای جای کردستان به نفع رحیمی تبلیغ کرده او را خادم راستین خلق کرد معرفی می کردند.»

گلپور، هم چنین به صراحت رحیمی را یک فرد «افیونی» معرفی می کند که با تعداد زیادی از اشخاص دارای مفاسد اقتصادی و اخلاقی ارتباط داشته و به آن ها کمک کرده است.

تاکنون به جز رحیم مشائی و رحیمی، سایت الف کسان دیگری واکنشی به نامه رضاگلپور نشان نداده اند؛ نهادهای رسمی امنیتی یا دولتی نیز در این باره سکوت اختیار کرده اند.

یکی از سایت های حامی مشائی در اولین واکنش به موضوع، دست به دامان دعوی گلپور با مدیر کیهان شد و با انتشار نامه ای از گلپور علیه حسین شریعتمداری نوشت: «فردی که این گونه به خود اجازه می دهد حاج حسین شریعتمداری پیر عرصه مطبوعات و صف شکن جبهه جنگ نرم را این گونه مورد اتهام و آماج حملات بی اساس و بی پایه خود قرار دهد آیا این انتظار از این فرد نمی رود که چنین فحش نامه ها و شبنامه هائی را علیه دیگر مسؤولان زحمت کش و خادم این مرز و بوم از خود مشعشع کند؟»

سایت «الف»، در یاد داشتی با عنوان «حمله غیر اخلاقی به اطرافیان احمدی نژاد» نسبت به نامه ای که به قلم رضا گلپور، خطاب به اسفندیار رحیم مشائی منتشر شده، انتقاد کرده و آورده است: «بدون شك انتشار چنین نامه ای که به نظر نمی رسد با اغراض فردی وانگیزه های شخصی تهیه شده، ناشی از عدم برخورد قانونی و به موقع با آن جریان سیاسی در سال های گذشته است.»

سایت الف، می افزاید: اما در این خصوص ذکر چند نکته حائز اهمیت است:

۱- نویسنده این نامه فردی است که چند سال پیش کتاب جنجالی شنود اشباح را نوشت که اگرچه این کتاب در نقد اصلاح طلبان داخلی بود اما مورد انتقاد بسیاری از دل سوزان نظام و شخصیت های سیاسی اصول گرا و متدین قرار گرفت. نحوه استناد به برخی از اسناد در کتاب شنود اشباح چنان سطحی و غیرحقوقی بود که حتی مخالفان و منتقدان جریان اصلاحات نیز آن را بر نتافتند. کتاب شنود اشباح که به سرعت از بازار جمع آوری شد، اکثر فعالان سیاسی جریان اصلاحات راجاسوسان ۳۰ ساله ای دانسته بود که در دوران جنگ و دفاع مقدس از نهادهای اطلاعاتی غربی پول گرفته بودند تا به اطراف امام نفوذ کنند. این کتاب که بعدها مشخص شد توسط برخی جریانات خاص نیز مورد حمایت بوده است اگرچه به سرعت جمع آوری شد اما هیچ گاه با نویسنده آن برخورد قضائی قابل توجهی صورت نگرفت و همین امر سؤال برانگیز بود که شائبه سناریو بودن انتشار این کتاب توسط برخی قدرت داران صاحب نفوذ را قوت بخشید. بدون شك انتشار چنین نامه ای که به نظر نمی رسد با اغراض فردی و انگیزه های شخصی تهیه شده، ناشی از عدم برخورد قانونی و به موقع با آن جریان سیاسی در سال های گذشته است.

۲- اگرچه برخی از اطرافیان رئیس جمهور دارای تخلفات محرز سیاسی و اقتصادی هستند اما این مدل انتقاد که در آن سطح افشاگری به خصوصی ترین مسائل فردی کشیده می شود نه تنها هیچ اثری نخواهد داشت بلکه باعث مظلوم نمائی و بی اثرسازی نقدهای منطقی می شود...

حسین الله کرم، شعبان بی مخ معروف حکومت اسلامی نیز در یک سخنرانی خود درباره بقائی، از معاونان احمدی نژاد که اخیراً برکنار شده، گفت: «بقائی فساد اخلاقی دارد». این اظهارات برای بار اول از سوی گلپور در جلسه ای اتفاق افتاد که الله کرم نیز آن ها را تأیید کرد.

الله کرم و گلپور در جلسه ای که از سوی هواداران محمد باقر قالیباف در مسجد ارک تهران برگزار شده بود این سخنان را بیان کرده اند. برای این جلسه تبلیغات گسترده ای راه انداخته بودند.

حضور رضا گلپور، حدود دو ماه پیش، نامه سرگشاده خود، علیه مشائی و رحیمی را منتشر کرده بود در این جلسه حضور داشت. بعد از این نامه سرگشاده برخی از چهره های سیاسی، سایت ها، روزنامه ها و وبلاگ ها این اقدام گلپور را خلاف اخلاق و قسمتی از یک پازل طراحی شده عنوان کردند، او بعد از این موضوع بود از کشور خارج شد و به لبنان رفت تا اتهاماتی که او به معاونان احمدی نژاد وارد کرده بود، رسیدگی کنند. در همین راستا، سخنگوی قوه قضائیه در جلسه خبری خود تأکید کرد که قوه قضائیه وظیفه خود می داند تا نسبت به اتهاماتی که گلپور به مشائی و رحیمی وارد کرده است به عنوان مدعی العموم رسیدگی کند. او، البته ادامه داد که این کار را

دادستانی پیگیری خواهد کرد. محسنی اژه ای، در آن جلسه خبری در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر این که آیا رحیمی معاون اول رئیس جمهور و مشائی رئیس دفتر رئیس جمهور از رضا گلپور درباره اتهاماتی که به آن ها زده است شکایت کرده اند گفت:

دستگاه قضائی خودش را ملزم می داند مواردی که حق عمومی و وظیفه دادستان است خودش پیگیری کند و مسائل شخصی را خود افراد پیگیری کنند. او، ادامه داد: تا جایی که می دانم این افراد تاکنون شکایت شخصی نکرده اند اما معتقدم دادستان باید این موضوع را پیگیری کند. بعد از این بود که دادستان تهران در جلسه خبری ابتداء با تأکید بر این که اجازه نخواهد داد تا فضای توهین و بداخلاقی در جامعه ایجاد شود، به سؤال خبرنگاری که درباره ادعاهای مطرح شده در نامه گلپور پرسیده بود، پاسخ داد و گفت:

«ادعاهای گلپور در حال بررسی است و این نامه برای مراجع مختلف ارسال شده تا در این خصوص اظهار نظر کنند، پرونده ای نیز در این زمینه تشکیل شده است.» اما در این جلسه افرادی از نزدیکان رئیس ستاد انتخاباتی قالیباف در سال ۸۴ نیز حضور داشتند، که اینروزها به شکل گسترده در سایت ها و نشریات خود اقدامات دولت را زیر سؤال می برند. طبق شنیده ها قرار است این هفته قالیباف نیز در این جلسه حضور یابد.

آیت الله مصباح یزدی که قبل از علنی شدن اختلاف بین دولت و بیت رهبری، استاد احمدی نژاد معرفی می شد، اخیراً نسبت به تفکر فراماسونری هشدار دادند و جریان انحرافی را فراماسونر خواندند.

حجت الاسلام سید محمود نبویان، «استاد مؤسسه امام خمینی»، در جلسه ای که در دانشگاه رجائی برگزار شد این مسأله را تبیین کرد که چرا آیت الله مصباح جریان انحرافی را فراماسونر نامید. بخشی از متن سخنرانی او در ادامه می آید.

فراماسونری هزاران جنبه دارد که من دو جنبه از آن را می خواهم عرض کنم. یک جنبه، جنبه سیاست، یک جنبه، جنبه فکری، عقیدتی و بنیادین است. آقای مصباح نظر به جنبه سیاسی اش ندارد و نمی خواهد بگوید این تشکیلات سیاسی، آقای مشائی هم رفته آن جا عضو شده است، آقای مصباح می گوید فکری که مشائی عرضه می کند؛ فکر فراماسونر هاست.

سؤال می شود چه فکری مگر عرضه می کند؟ مگر آقای مشائی کیست؟ چه کاره است؟ حالا من تا حدود ۵ سال خیر دارم که آقای مصباح خلوت بال به آقای احمدی نژاد پیغام داده است که دو نفر آبروی دولت شما را می برند. اسم یک نفر رو من... دارم سه نفر دیگر چون احتمالیه من نمی گویم. آیت الله مصباح ۵ سال پیش گفتند مشائی رو کنار بگذارید.

آقای مصباح، تمام پیش بینی هایشان درست از آب در می آید. دوره انتخابات دوم فقط باید دعا کرد که این پیش بینی آخر درست در نیاید. دوره دوم انتخابات آقای احمدی نژاد، فردایش ما رفتیم پیش حاج آقای مصباح برای آن قائله. رفتیم پیش ایشان و گفتیم این هامی خواهند فتنه انگیزی کنند، ایشان گفت که این ها مهم نیست و رهبری خودشان فتنه را جمع می کنند.

آقای مصباح آن موقع می گفت که نکند احمدی نژاد آقای مشائی رابه عنوان معاون اول معرفی کند. پارسال طرح ولایت دانشگاه شهید بهشتی آقای مصباح گفته بود فتنه ای در راه است. امسال تو جلسه خصوصی برگشت گفت انشاء الله این یکی دیگه حداقل محقق نشود این بار که همه محقق شد ایشان فرمودند خطر مشائی صد برابر بیش تر از خطر آقای موسوی و کربوبی است. فتنه بزرگ تری در راه است این ها فوق العاده خطرناک هستند. گول ظاهرشان را نخورید. هر جا آمد ایشان اظهار نظر کرد فقط مسأله برای نظام درست کرده است.

مسأله بالاتر از...، هر جا صحبت کرد از رهبری خرج شد، مجبور شد رهبری هزینه شود. همه کار، آخرین کارش هم همین است، رهبری هزینه اش را دارد می دهد. ایشان در سال ۸۴ که می آید رئیس سازمان ایرانگردی و نمی دانم جهان گردی می شود و سال ۸۵ می رود به ترکیه، در يك مجلس رقصی شرکت می کند. این فیلم یک ساعت و پنج دقیقه و بیست و شش ثانیه است که یک دقیقه و چهار ثانیه پس از آغاز، سیزده دقیقه و سی ثانیه چند نوع رقص انجام می شود، بعد از آن می آید اظهار نظر در مورد اسرائیل انجام می دهد. ۲۰۰ نماینده مجلس اعتراض می کنند، دانشجویان می روند جلوی میراث فرهنگی تحصن می کنند علیه او و بالاخره هم مجبور می شوند مقام معظم رهبری در نماز جمعه اعلام کنند ملت اسرائیل با ما دوستند یعنی چی؟ در انتهای همان دولت اول، می آید سازمان حج و میراث فرهنگی را ... همه جا را می خواهد بگیرد؛ همه جا را.

سازمان حج و زیارت را در سازمان میراث فرهنگی ادغام می کند. داد آقای ری شهری بلند می شود، باز رهبری هزینه می شود. مقام معظم رهبری دستور می دهند؟ در کردستان همایشی برگزار می شود مشائی هم نشست زن هائی می آیند با آهنگ قرآن را می آورند. آیت الله مکارم و آیت الله صافی اعتراض می کنند. جلوتر می آید، می گوید حضرت نوح مدیریت نداشت! نتوانست مشکل را حل کند! می رود سراغ یک پیغمبر دیگر این آقای مشائی، یک مرشدی دارند. تحت تاثیر تعلیمات یک آدمی است. او خودش یه معلم است آخر تو چقدر دیوانه ای. چقدر جاهلی. آن معلم چقدر اسلام شناسی خوانده؟ این ها یک ذره باور به ولایت فقیه و دین و فقها و علماء مطلقاً ندارند. ظاهرش را نگاه کنید. آقای یعقوبی، علی یعقوبی. او می گوید، حالا ببینید مشائی چرا این حرف را می زند که انبیا ناکارآمدند. او می گوید که آقای یعقوبی معتقد است من این جمله را از قول... نقل می کنم، بله من در یک کشف و شهود در یک برزخی حضرت موسی را دیدم گفتم برو بابا کاسه کوزهات را جمع کن قوم خودت رونتوانستی اداره کنی! این اسرائیل چرا این جوری دارد انجام می دهد؟! بعد می گوید ایشان که نتوانست کار انجام بدهد من محکم خوابوندم زیر گوش شارون! شارون که مرده من انجام دادم! شب های جمعه هم که می رویم کربلا خدمت امام حسین که می رسم همه انبیا هستند منتها حضرت موسی از خجالتی نمی آید جلو. می رود در کوچه های اطراف می نشیند و امام حسین که غذا را تقسیم می کند به من می دهد یه کاسه غذا را ببرم آنجا. همین است که می گوید انبیا تو مدیریت شون موفق نبودند، این ریشه اش این جاست.

خب! حالا آقای مصباح از کجا فهمیده اند؟ آقای مصباح از کجا فهمیده اند این فراماسونری است؟ من افکار فراماسونری را بعضی از بخش هایش را برایتان می گویم. ببینید، فرماسون که می گویند از دو کلمه ترکیب شده؛ فری و ماسونری. فری یعنی آزاده و ماسونری یعنی بنا. بنایان آزاد. از سال ۱۷۱۷ آقای دزاهولیه مبانی معرفتیش را تأسیس کرد، قانون اساسی هم نوشتند سه تا اصل دارند. سه تا اصل خیلی مهم آزادی، برابری، برادری. برگردیم به تاریخ فراماسونری، اکثریت این ها فرماسون بودند. به اساس یک اندیشه پیش می روند اکثریت قریب به اتفاق رؤسای جمهور امریکا مثلاً اوپاما فرماسون است. از ورزشکارها بگویم. دیوید بکام پارسال فرماسون شد. یکی از ویژگی های فرماسون ها نخبه گرانی است. برادری آن هائی که هم خط و هم کیش ماهستند. از نکات اساسی که فرماسون ها قائلند، اومانسیم است. از کتاب مبانی فراماسونری مولف یحیی هارون صفحه هفتاد می گوید: تنها خدائی که فراماسونری قبول دارد، انسان است. بنابراین انسان تنها خدای موجود است.

ما همیشه اذعان می کنیم بالاترین مفاهیم فراماسونری در اومانسیم قرار دارد. بعد ببینید در کلام آقای مشائی چقدر این ها هست. پلورالیزم، هر دینی شد، شد؛ فقط اسلام که حق نیست. مسیحیت هم حق است. اسلام که عتیقه نیست! هر دینی حق است. باستان گرانی، ملیگرانی. اولین کسی که قبر کوروش را در ایران کشف کرد جاسوس انگلستان

در ایران است که یک فرماسون است. احیای باستان گرایی و تاریخ پیش از اسلام هدف مشترک وزارت مستعمرات بریتانیا و سازمان فراماسونری در ایران و سایر کشور های اسلامی است. این حرکت در تاریخ معاصر از آخوند زاده، ملکم خان، آقا خان کرمانی و ... آغاز شد. و دیگر فرماسون ها نظیر فروغی، پیرنیا آن را پی گرفتند، مانند تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.

هدف اینجریان معرفی اسلام به عنوان عاملی مخرب در تاریخ ایران و عنوان نمودن این مطلب که تاریخ ایران پیش از اسلام درخشان تر از ایران پس از اسلام است. برای اثبات این فرضیه موهوم نکاتی را از بعضی شخصیت ها می گویم. آثاری نظیر کتاب نامه خسروان اثر جمال الدین میرزا از شاگردان ملکم و آخوند زاده که در تمجید پادشاهان ایران پیش از اسلام و به فارسی سره نوشته شده بود. نمایشنامه عشق و مردانگی اثر ابوالحسن فروغی که در تمجید ایران باستان به رشته تحریر درآمد. از پرویز تا چنگیز اثر تقی زاده؛ ایران باستان حسین پیر نیا؛ فرهنگ پهلوی اثر نادر خانلری؛ وجه مشترک تمام این آثار بزرگنمایی ایران پیش از اسلام است.

ببینید، آقای مشائی چنین حرف هائی می زند. آقای مشائی می گوید که صف بندی مؤمن و کافر وجود دارد. این صف بندی وقتی اصالت دارد که فرصت ها را برای انتخاب انسان هافراهم بیاوریم. و انسان ها به مفهوم واقعی انتخاب خود را انجام دهند. این که مسلمان ها بگویند کار ما درست است بقیه اشتباه می گویند، یعنی ۵/۵ میلیارد انسان را از دایره انسانیت خارج کرده ایم.

خوب نتیجه؛ فقط دین ما درست نیست، همه ادیان درست است. نکته اساسی این است، من گفته ام زمان آن که دینی در دنیا جهانی شود، گذشته است. گفته اند پس امام چیست، من امروز را می گویم. به امریکا که مدعی است می خواهد دینش را جهانی کند، می گویم. بنده گفته ام که مردم امریکا بهترین مردم اند! بدون واهمه می گویم جهان آینده متعلق به تمام انسان هاست. هر منطقی که بین انسان ها فرق بگذارد محکوم به شکست است. (یعنی منطق قرآن محکوم به شکست است). ایشان در سخنرانی خودش می گوید: اما نکته دیگری هم هست که من باید عرض بکنم. این نگاه جهانی توسعه سرزمینی، نگاه توسعه دینی و آئین و مذهب خاصی در دنیا نیست، من قبلاً گفته ام و یک جنگی هم شد. ولی الآن باجسارت بیش تری می گویم، دوره ای که کسی بخواهد دینی را بر دنیا حاکم کند و نگاه خاص مذهبی را بر دنیا حاکم کند گذشته است. (تلاش نکنید که اسلام را بیارید) دنیای امروز گوشه هایش بیش تر از همیشه تاریخ باز است. امروز هم چنان که وزیر امور خارجه تأکید کردند منطق انسانی، الهی، عشق آفرین، دامنه ساز و افق پرداز در دنیاخردار دارد. این دوره ای نیست که هر کسی بخواهد یک دینی را در دنیا فراگیر کند.

... رفتند مجسمه کوروش درست کردند. احمدی نژاد آن قدر جو زده شده چفیه بسیجی را روی گردن این مجسمه انداخت. گفتند منشور کوروش باید منشور جهانی شود. آقای مشائی چرا این بلا راسر احمدی نژاد دارید در می آورید؟ منشور کوروش منشور جهانی شود؟ چرا منشور حضرت علی (ع) در نامه ای که به مالک اشتر داده اند، سیاسی- حقوقی آن، چرا نباید منشور جهانی شود؟ امسال در نوروز سال ۹۰ جشن نوروز گرفتند. به چه دلیل شمدانیال این ها هستید؟ چقدر خرج کردید؟ از ملک عبدالله قاتل مسلمین چرا دعوت کردید؟ این ها انحراف بزرگی برای اسلام است.

... مشائی یک ذره باور به ولایت فقیه ندارد. احمدی نژاد گول دارد می خورد... ما در قانون اساسی این موضوع را پیش بینی کرده ایم. این ها در صورتی اعتبار دارد که شورای نگهبان تأیید کند. شورای نگهبان هم از جانب رهبر معظم انقلاب است و اگر ایشان قبول کند یعنی همه چیز درست است. عرض می کنم اگر ما رهبر معظم انقلاب را به گونه ای مدنظر بیاوریم که نتیجه آن فراموشی امام زمان باشد این فعل در قبال رهبر معظم انقلاب باطل است.

حتی اگر شما بگوئید شورای نگهبان تأیید کند، تأیید اسلامی است؟ نه عزیز من! امام زمان اگر تأیید کند تأیید خدائی است. تأیید شورای نگهبان دلیل بر تأیید خدائی نیست. تأیید رهبر معظم انقلاب هم دلیل بر تأیید خدائی نیست. اگر شمامه این نیت باشید که دوره ظهور است.

دوره، دوره غیبت است... امیری فر مصاحبه کرده و گفته است آقای مشائی اسلام ناب را معرفی می کند و ما آمده ایم مجلس را بگیریم تا اصول گرایان را شکست بدهیم. دست در دست اصلاح طلبان است. این ها با اصلاح طلب ها یک هدف دارند. از آقای مشائی شما در این فتنه ها یک جمله بیاور که فتنه گران را محکوم کرده باشد، نداریم. آن قدرگندش بالا آمد که صادق زیبا کلام سبز سبز سبز می گوید: (که می گوید من طرفدار رضاخان هستم) بهترین چهره اصول گرائی آقای مشائی است، چون تا حالا نسبت به هیچ کس توهین نکرده است. سایت آقای مشائی در ایامی که آقای احمدی نژاد خانه نشین بود، نظام را تهدید کرد؛ روزنامه باز کرد، روزنامه هفت صبح. سردبیرش معاون سردبیر روزنامه اعتماد است. انشاءالله که پیش بینی آقای مصباح محقق نمی شود. ایشان فرموده است فتنه بزرگی نظام را تهدید خواهد کرد.

بدین ترتیب، فرهنگی که حکومت اسلامی سی و سه سال است به جامعه ایران تحمیل کرده و با اختصاص بودجه های کلان نیز آن را بازتولید می کند فرهنگ وحشی گری، خرافات مذهبی و به طور کلی فرهنگ جهل و جنایت و زور و ترور و تجاوز است. همه جناح های درون حکومت، هرکدام در دوره قدرقدرتی خود، این فرهنگ جهل و جنایت و ترور را تبلیغ و ترویج کرده اند و با اجرای صدها طرح و سناریو، اعمال جنایت کارانه ای را علیه اکثریت مردم ایران مرتکب شده اند. بنابراین، هر کسی و هر جریانی طرف این و یا آن جناح حکومت اسلامی را بگیرد آگاهانه و یا ناآگاهانه آب در آسیاب این فرهنگ می ریزد و چرخ های آن را برای آفریدن رعب و وحشت بیش تر در جامعه، به حرکت درمی آورد.

در چنین شرایطی، برای این که از فرهنگ حاکم و به طور کلی از شر کلیت حکومت خشم و خون، ترور و وحشت اسلامی رها شویم چاره ای جز مبارزه پیگیر و متحدانه و آگاهانه همه نیروهای آزادی خواه و تحت ستم در جهت سرنوینی کلیت این حکومت و تبلیغ و ترویج فرهنگ آزادیخواهانه، عدالت جویانه، برابری طلبانه و سرشار از رفاه و انسان دوستی نداریم.

یکشنبه بیست و نهم خرداد [جوزا] ۱۳۹۰ - نزده مجون ۲۰۱۱